



معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

نگارش پایه نهم

درس اول (با ذهنی «نظام مند» و «پرورده» بنویسیم).

مدرس: هدیه مرادی

با نظارت علمی سرگروه آموزشی آقای ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



ستایش

عالم، سراسر جلوه‌های آفرینش خدای مهربان است. خداوند، نگارنده گیتی است. این نگارگر زیبایی‌ها به چه خطی می‌نگارد؟ با چه زبانی می‌نویسد؟ دفتر نوشته‌های نگارنده هستی بخش کجاست؟

زبان نوشته‌های خداوند، زبان مشترک همه موجودات است. خط خدا، پیش از آنکه خواندنی باشد، دیدنی، شنیدنی، چشیدنی، بوییدنی و لمس کردنی است. نامه نسیم، سفرنامه چشمه، انشای جنگل، فیلم‌نامه گل، خبرنامه کلاغ، معمای انسان، همه و همه، نمونه‌هایی از نگارگری‌های الهی هستند.

خداوند، به قلم صنع تو می‌نگریم، به این همه نقش زیبا و لطیف که بر بال پروانه کشیدی، می‌بالیم، به صدها هزار جنگل سرسبز که در دفتر دانه نگاشتی، به کوه‌هایی که در چشم‌انداز دشت، جای دادی، به دریا‌هایی که در دیواره دره‌ها پدید آوردی، می‌نازیم و تو را، ای نگارنده هستی بخش، می‌ستاییم.

مؤلفان

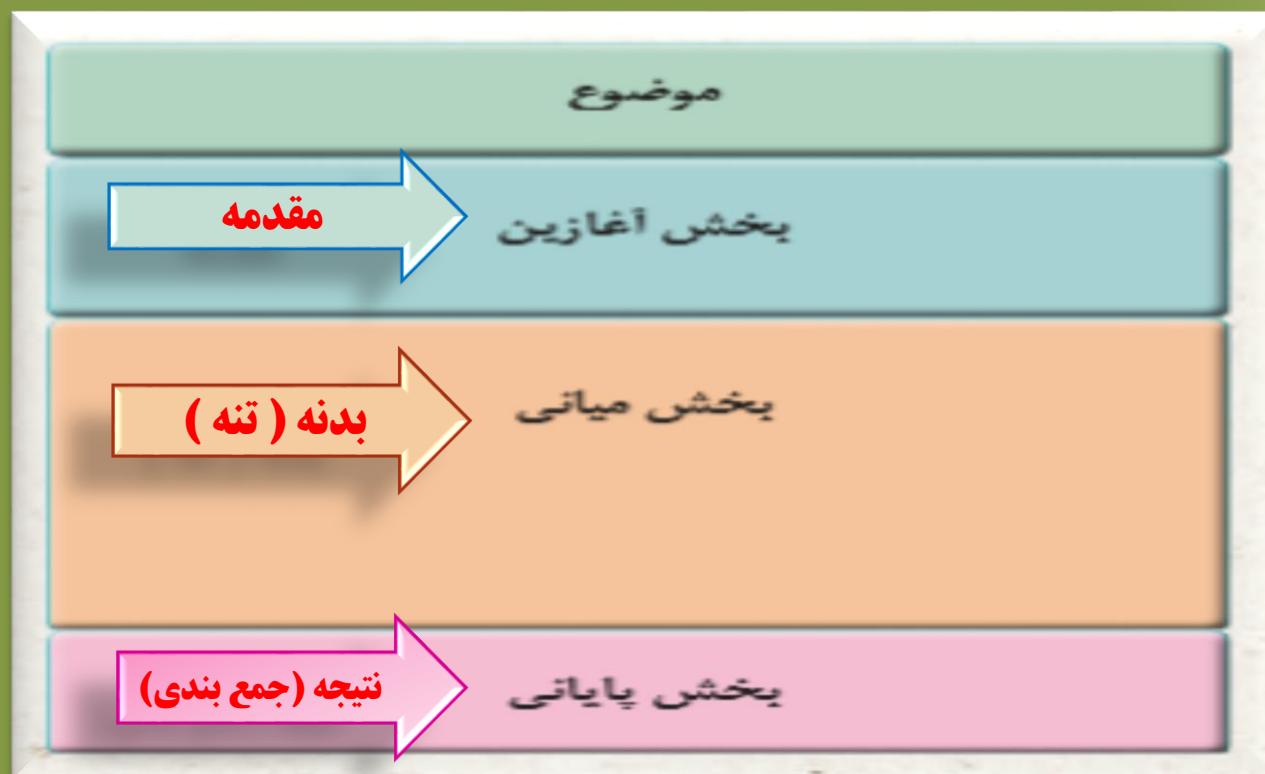
کسی، ابرها را تکان می‌دهد	به یک دانه ریز، جان می‌دهد
کسی، راه دریای پر موج را	به یک رودخسته، نشان می‌دهد
کسی، با شروع لطیف بهار	به شاخه، گلی نوجوان می‌دهد
کسی، در دل باد و باران و برف	به بال کبوتر، توان می‌دهد
کسی، بهتر از مادری مهربان	به نوزاد گنگی، زبان می‌دهد
کسی، بعد باران به چشمان ما	پل خوب رنگین کمان می‌دهد
کسی، صبح‌ها دست خورشید را	به دستان این آسمان می‌دهد
بگو کیست جاری در این بیت‌ها؟	که یادش به ما روح و جان می‌دهد

شعر از داوود لطف‌الله



چکیده درس اول:

در سال های گذشته، با ساختار نوشته و راه های پرورش ذهن، آشنا شدیم و مزه نوشتن را چشیدیم. امسال، مباحث دیگری از نوشتن را خواهیم آموخت؛ اما چون تمام آموزه ها، زنجیروار به هم پیوسته اند؛ لازم است مطالب سال های قبل را یک بار دیگر مرور کنیم.



بخش های اصلی متن زیر را مشخص کنید.

سپس معلم، متن زیر را در اختیار گروه‌ها قرار داد و از آنها خواست، بخش‌های اصلی آن را مشخص کنند.

درخت

موضوع

بخش آغازین

بخش میانی

بخش پایانی

وقتی زمستان به پایان می‌رسد، ساقه سبز رنگ و صافی، سر از خاک بیرون می‌آورد و در اثر گرمای خورشید، جان می‌گیرد و بزرگ‌تر می‌شود. این ساقه نحیف، در اصل یک درخت است؛ اما هیچ کس، آن را درخت حساب نمی‌کند.

درخت، اندک اندک رشد می‌کند و شاخه و برگ می‌دهد. از ساقه‌ها جوانه‌هایی بیرون می‌زنند؛ از جوانه‌ها شاخه‌های دیگری می‌رویند؛ از شاخه‌ها، برگ‌های دیگری و بدین ترتیب پس از چند سال، آن ساقه سبز و صاف، به درختی پر شاخ و برگ تبدیل می‌شود.

شاخه‌های یک درخت، همیشه یک‌جور رشد نمی‌کنند. گاه رشد همه شاخه‌ها به صورت گسترده و منظم است و گاهی بسیار آزادند و نامنظم. گاه شاخه‌ها روبه بالا رشد می‌کنند و شکلی مثل درخت سرو را می‌سازند و گاهی روبه پایین رشد می‌کنند و شکلی مثل درخت بید مجنون درست می‌شود. گاهی هم یکی از شاخه‌ها نسبت به شاخه‌های مشابه رشد بیشتری می‌کند یا ممکن است شاخه‌ها در جهت‌های مختلفی رشد کنند.

عوامل طبیعی، گاهی شکل درخت را دگرگون می‌کنند. باد و طوفان، رعد و برق، باران شدید و برف سنگین، موریانه‌ها و حشرات چوب‌خوار به مرور می‌توانند شکل اصلی و اولیه درخت را تغییر دهند.

پوست درختان نیز با هم تفاوت دارد. پوست بعضی از درختان همچون چدن، صاف و یکپارچه است. پوست برخی دیگر، مانند یک روکش اضافه، ورقه ورقه می‌شود. بعضی از درختان، پوستی براق دارند و بعضی مات. پوست تعدادی از درختان نیز برجستگی‌هایی نامنظم دارند.

جالب است که این درختان عظیم الجثه و گوناگون و شگفت‌آور از دل یک دانه کوچک بیرون می‌آیند.

♦ درخت‌ها، با تلخیص و اندکی تغییر

رعایت این چهارچوب، سبب نظم ذهنی و انسجام نوشته شما می شود. برای نظم بخشیدن به ذهن و نوشته، روش های دیگری را همچون، طبقه بندی و کوچک تر کردن موضوع، توجه به ساختار بند (جمله موضوع و جمله های تکمیل کننده) و استفاده از طرح سؤال برای شکل بخشیدن به متن نوشته، پیشنهاد کردیم. همچنین، راه ها و روش هایی را برای پرورش و پویا کردن ذهن، آموختیم؛ در نمودار زیر آن ها را برمی شماریم.



اکنون نمونه های زیر را بخوانید و بگویید، نویسنده برای پروراندن نوشته خود، کدام یک از راه های پرورش فکر را بیشتر به کار گرفته است.

♦ **یک** نمی دانم حاج مرتضی، بوی گند به چی می گفت! من که هرچه بویه دماغم می خورد، بوی خوب و اشتها آور بود. از آن بوهایی که فقط توی عروسی ها بلند بود. بوی میوه و بوی دود و بوی برنج آبکش کرده و بوی خاک...

♦ **پرتقال خونی**

..... **ببوییم و بنویسیم**

♦ **دو** پیرمرد، نخستین بار ماهی را دید که از زیر قایق گذشت. آن قدر دراز بود که باورش نشد. گفت: «نه، به این بزرگی نمی شه!» اما به همان بزرگی بود و درسی متری قایق، روی آب آمد و پیرمرد دمش را دید که از آب بیرون زد. از تیغه یک داس بلندتر بود و روی آب نیلی تیره به رنگ بنفش، بسیار روشن بود. تیغه در آب فرو رفت و چون ماهی، درست زیر سطح آب شنا می کرد. پیرمرد، جثه عظیم و نوارهای ارغوانی پشتش را دید...

♦ **پیرمرد و دریا**

..... **نگاه کنیم و بنویسیم**

♦ **سه** ناگهان از میان تاریکی صدایی آمد، صدایی مثل خرچ خروج. تریستان پرسید: «صدای چی بود؟» منتظر ماندند تا ببینند آیا باز هم آن صدا را می شنوند. همه جا ساکت بود. تریستان، اول نفسش را حبس کرد ولی بعد آن را با صدایی بلند، آزاد کرد. باز هم همان صدا به گوششان خورد، اما این بار بلندتر از دفعه پیش. صدای خرچ خروج. تریستان گفت: «شاید یک هیولای آدم خوار دارد خرچ خروج، استخوان آدم ها را می خورد. بَلَا، زمزمه کنان گفت: «می دانی، خود صدا ترسناک نیست، اینکه نمی دانی صدای چه موجودی است ترسناک است...»

♦ **وقتی زمان ایستاد**

..... **گوش بدهیم و بنویسیم**

♦ **چهار)** برای بیشتر مرغان دریایی، آنچه اهمیت دارد، به چنگ آوردن طعمه است. نه پرواز. حال آنکه برای جاناتان، مهم پرواز بود نه به چنگ آوردن طعمه. جاناتان بیش از هرچیزی، عاشق پرواز کردن بود... .

♦ **جاناتان، مرغ دریایی**

...با سنجش و و مقایسه آسان تر بنویسیم

♦ **پنج)** کی کرگدن ارزان می‌خواهد؟ من یکی دارم که حراجش کرده‌ام. او تپل و پامزه و بغل کردنی است و خیلی از کارهای خانه را هم برایت انجام می‌دهد؛ مثلاً می‌توانی از آن به جای چوب‌لباسی استفاده کنی. ورقه‌های امتحانی بدت را قبل از اینکه مامان و بابا ببینند، می‌بلعد. برای گرفتن پول توجیبی اضافی از پدرت، خیلی به درد می‌خورد... .

♦ **داستان‌های شل سیلور استاین، با تلخیص و تصرف**

...دگرگونه ببینیم و گونه گون بنویسیم



♦ **شش)** من یک موش هستم. امروز وقتی روی تخت کوچک آزمایشگاه به هوش آمدم، اولین تصویر مبهمی که دیدم، چهره خندان پروفسور پیر بود که ظاهراً از آخرین عمل جراحی روی مغز من رضایت داشت. این را موقعی فهمیدم، که چند دقیقه بعد مرا به محل همیشگی ام بردند و من چون به شدت احساس گرسنگی می کردم، تلو تلو خوران به سمت ظرف غذا رفتم که ناگهان همه کف زدند و پروفسور را بوسیدند و به او تبریک گفتند.

پروفسور، نگاه دوباره ای به محل جراحی روی سرم کرده دستی محبت آمیز به گوش هایم کشید و از اتاق بیرون رفت. بقیه هم دنبالش راه افتادند. فقط یک عکاس جوان چند لحظه کنارم ماند و بعد از گرفتن چند عکس از حالت های مختلف من، رفت. خیلی خسته ام، ای کاش این آخرین جراحی باشد.

♦ **دفتر خاطرات حیوانات**

با جانشین سازی راحت تر بنویسیم

♦ **هفت)** یکی بود یکی نبود. اگر هم بود، کسی نبود. یک نفر بود که چندین و چند سال پیش به دنیا آمده بود و مامان و باباش اسمشو گذاشته بودن «میرزا». بچه که بود توی خونه صدایش می کردن «رامین». مدرسه که رفت، باباش دید که این نورچشمی خیلی تنبله، اسمشو گذاشت «شازده». درسش که تموم شد، چون کار گیرش نیومد، ناچار اسمشو گذاشت «مهندس». الغرض، شازده رامین مهندس، بزرگ شد و صاحب دو تا پسر کاکل زری شد. اولی در ماه مرداد به دنیا اومد، اسمشو گذاشتن «بهمن» دومی در ماه شعبان به دنیا اومد، اسمشو گذاشتن «رجب» بهمن به مادرش رفته بود و رجب به پدرش ...

♦ **یک قصه قدیمی**

افکار و گفتار مان را بنویسیم

♦ ساختمان نوشته زیر را مشخص کنید و بگویید نویسنده از کدام شیوه‌های پرورش ذهن، بهره گرفته است؟

در این متن از شیوه‌های دیدن، گوش دادن، مقایسه و دگرگونه نوشتن استفاده شده است.

سیاه کوچک

موضوع

بخش آغازین

کلاغ‌ها را چگونه می‌بینی؟ صدایشان را چگونه می‌شنوی؟ کلاغ زیباتر است یا بلبل؟ آواز کدامشان دلنشین‌تر است؟

... کلاغ خودش را دوست نداشت و بودنش را از کائنات گله داشت. فکر می‌کرد، در دایره قسمت، نازیبایی سهم اوست. او خمگینانه گفت: «کاش خداوند این لکه سیاه را از هستی می‌زدود!»

خدا گفت: «سیاه کوچکم، صدایت ترنمی است که هر گوشی زیبایی آن را درک نمی‌کند. فرشته‌ها با صدای تو به وجد می‌آیند، بخوان، فرشته‌ها منتظرند.» کلاغ، هیچ نگفت. نیم‌نگاهی به آسمان انداخت. در صفحه آبی آسمان، ابرهای سیاه، ابرهای سفید، دوشادوش هم در حرکت بودند. خورشید هم بود؛ با لباسی خوش رنگ؛ گاهی روی صفحه آبی، گاهی پشت لکه سیاهی.

خدا گفت: «سیاه، چونان مرکب که زیبایی را با آن می‌نویسند زیباییات را بنویس؛ زیرا اگر تو نباشی، جهان من چیزی کم دارد. خودت را از آسمان دریغ نکن.»

کلاغ خواند. این بار اما عاشقانه‌ترین آواز را. با آوازش جهان زیبا شد. آسمان لبخند زد و ابرهای سیاه و سفید از شوق گریستند.

بخش میانی

بخش پایانی

♦ هر قاصدکی یک پیامبر است. با تلخیص و تغییر



تکلیف

♦♦ یکی از موضوع‌های زیر را انتخاب کنید و پس از طراحی نقشه ذهنی، به کمک یکی از راه‌های پرورش فکر، متنی درباره آن بنویسید.

♦ گذر رودخانه ♦ آدم فضایی ♦ اذان ♦ شاتس ♦ فیل و فنجان

موضوع:

متن
تولید شده دانش آموز

دانش آموز عزیز، لطفاً انشای خود را بر اساس سنجه های ارزیابی زیر بنویسید و داوری کنید. از روی آن بخوانید و صدای ضبط شده را برای معلم خود، بفرستید.

سنجه های ارزیابی:

- ♦ داشتن پیش نویس؛
- ♦ داشتن پاک نویس (رعایت علائم نگارشی، املاي صحیح واژگان، درست نویسی، خط خوش)؛
- ♦ رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ♦ بهره گیری درست از شیوه های پرورش فکر؛
- ♦ شیوه خواندن.



درست نویسی



بخش درست نویسی، با هدف آشنایی و آموزش
هنجارهای نوشتن در زبان فارسی معیار، در ساختمان
کتاب گنجانده شده است.

به جمله‌های زیر توجه کنید:

- ◆ امواج سرگردان دریا، حشرات کنار ساحل را بلعیدند.
- ◆ حشرات کنار ساحل، توسط امواج سرگردان دریا، بلعیده شدند.

جمله اول درست است. به کارگیری واژه «توسط» در جمله‌هایی که «نهاد» آنها مشخص است، روا نیست. به همین سبب، شیوه نوشتاری جمله دوم را نمی‌پسندیم؛ استفاده از واژه «توسط» در چنین بافت‌هایی، از راه ترجمه وارد زبان فارسی شده است؛ در نوشتار معیار بهتر است از این لغزش‌ها پرهیز کنیم.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ کتاب‌های ارزشمند گلستان و بوستان، توسط سعدی نوشته شد.

سعدی کتاب ارزشمند گلستان و بوستان را نوشت.

- ◆ این متن‌های زیبا، توسط دانش‌آموزان نوشته شده است.

دانش‌آموزان این متن‌های زیبا را نوشتند.

تصویر نویسی

تصویر نویسی:

نوشتن درباره اجزا و عناصر دیداری در تصویر است. لازمه خوب نوشتن در این بخش، دقت در نگاه و بررسی و خوانش و درک عناصر دیداری است. در حقیقت هر تصویر، بهانه بسیار نیکویی برای فعال کردن ذهن و نوشتن است و تمرین خوب دیدن و پرورش دقت در نگاه است. تصویر نویسی، مجال و فرصتی برای ابراز خلاقیت هاست. پرورش قدرت استدلال، تفکر و نوشتن خلاق است و تبدیل اطلاعات دیداری به متن و نوشته است.

داخل یک اتوبوس شلوغ را، تصوّر کنید و تصویر ذهنی خود را بنویسید.

متن
تولید شده دانش آموز

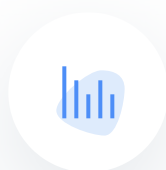


شادی و بهروزی شما آرزوی ماست



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد